

نگاهی به پیشینه تاریخی پژوهش در وزارت آموزش و پرورش

در گفت و گو با
مهندس احمد حج فروش

اعظم ملایی نژاد*

گفت و گو

اشاره

آقای مهندس احمد حج فروش نامی آشنا در تأسیس واحدهای پژوهشی؛ پژوهشگر برگزیده رتبه اول کشور و نویسنده بیشترین مقاله در زمینه آسیب شناسی کنکور بوده است. وی اولین واحد پژوهش با عنوان «دفتر تحقیقات و برنامه ریزی معاونت آموزش فنی و حرفه‌ای را در سال ۱۳۶۷ تأسیس و راه اندازی کرد. راه اندازی کمیته‌های پژوهشی معاونت‌های آموزش فنی و حرفه‌ای استان‌ها (۱۳۶۸)، کمیته پژوهشی معاونت آموزشی (۱۳۷۲)، معاونت مشارکت‌های مردمی (۱۳۷۳) و کانون پژوهشی سرپرستی مدرسه‌های جمهوری اسلامی ایران در امارات متحده عربی (۱۳۷۵) از دیگر اقدامات ایشان بوده است. ^۱ اخذ مجوز و راه اندازی و استقرار «مؤسسه پژوهشی برنامه ریزی آموزشی» در سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی در سال ۱۳۷۹، از افتخارات ایشان است. او در سال ۱۳۸۱، مجوز اولین فصلنامه علمی - پژوهشی (نوآوری‌های آموزشی) را در آموزش و پرورش برای مؤسسه پژوهشی برنامه ریزی درسی و نوآوری‌های آموزشی از وزارت علوم دریافت کرد. طی حدود پنج سال مدیریت این مؤسسه موفق شد، برای اولین بار درجه B و بار دیگر درجه A عملکرد را از وزارت علوم برای مؤسسه پژوهشی تحت مدیریت خود دریافت دارد. با توجه به اینکه سوابق خدمتی ایشان در دو حوزه فنی و حرفه‌ای و پژوهش در آموزش و پرورش بوده است گفتگوی ایشان حاوی نکات و داده‌های خوبی برای پژوهشگران تاریخ و کارشناسان تعلیم و تربیت کشور است که در ذیل ارائه می‌شود.

۱. ایشان طی بیش از ۳۰ سال خدمت خود در آموزش و پرورش، دارای سوابق مدیریتی هم‌زمان دو هنرستان در شهر بجنورد هستند و رئیس اداره آموزش و پرورش شهرستان بجنورد، معاون آموزش فنی و حرفه‌ای استان خراسان، مشاور چهار حوزه معاونت در وزارت آموزش و پرورش (به ترتیب: معاونت آموزش فنی و حرفه‌ای، معاونت آموزشی، معاونت مشارکت‌های مردمی و معاونت وزیر در سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی) و نیز مدیرکل دفتر تحقیقات و برنامه ریزی آموزشی فنی و حرفه‌ای و مدیرکل دفتر امور اجرایی مدارس غیرانتفاعی، مدیر کانون پژوهشی در سرپرستی مدارس جمهوری اسلامی در امارات متحده عربی، مدیر آموزش و عضو هیئت علمی پاره‌وقت دانشگاه آزاد واحد امارات متحده عربی بوده‌اند. پس از بازنشستگی نیز مسئولیت‌های مشاور دبیر کل شورای عالی آموزش و پرورش، مدیر گروه آموزش و پرورش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، مشاور در دانشگاه فرهنگیان و رئیس پژوهشکده روش‌های آموزشی را به عهده داشته‌اند.

E-mail: Mollaeenezhad@gmail.com

* دکترای مدیریت آموزشی

■ **ملایبی نژاد:** امروز در خدمت کسی هستیم که به باور من، در کارکردن خستگی‌ناپذیر بود. شوق و اشتیاق به کار مبتنی بر عملکرد، سرعت و دقت و دانایی برای رسیدن به هدف، از جمله ویژگی‌های مهندس حج‌فروش بود. به خاطر دارم که از ۷ صبح تا معمولاً ۱۱ شب در دفتر کار می‌کرد و با تعداد نیروی اندک خود، بیشترین بازده و بالاترین عملکرد را داشت. درباره‌ی کسی حرف می‌زنیم که یکی از مبتکران، بنیان‌گذاران و مدیران مؤسسه‌های پژوهشی در آموزش و پرورش است. با تشکر و قدردانی از خدمات ارزشمندتان به آموزش و پرورش کشور، با توجه به آثار مکتوب شما (که بخشی را در کتابخانه‌ی سازمان از خود باقی گذاشته‌اید) و نیز با عنایت به تجربه‌های مفید و منحصر به فردی که در تأسیس و مدیریت انواع مؤسسه‌های پژوهشی در آموزش و پرورش دارید، برایمان از چرایی و چگونگی تأسیس مؤسسه‌ی پژوهشی برنامه‌ریزی درسی و نوآوری‌های آموزشی در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی بگویید. در صورت امکان جزئیات را هم شرح دهید.

● **مهندس حج‌فروش:** بسم‌الله الرحمن الرحیم و به نستعین. انه خیر ناصر و معین، والذین جاهدوا فینا لنهدینهم سبلنا. تشکر می‌کنم از شما بزرگواران، خواهر گران‌قدر سرکار خانم دکتر ملاتی‌نژاد و برادر عزیز و ارجمندم جناب آقای حمیدزاده. قطعاً از آن مقدار خدمت ناچیز که از عملکرد بنده نقل شد، کمترینش متعلق به حقیر است و آنچه هست از عنایت حق تعالی و همکاری صمیمانه‌ی همکارانی همچون شماها بوده است.



درباره‌ی پیشینه‌ی تاریخی مؤسسه‌های پژوهشی در سازمان پژوهش، علاوه بر گزارش مرحوم استاد سیدمحمدکاظم نائینی، بنده هم سه گزارش اجمالی مقدماتی و تحقیق تکمیلی درباره‌ی ساختار و تشکیلات سازمان طی سال‌های ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۱ تهیه کردم که بر اساس تحقیق جامع آخر، مقاله‌ای علمی-پژوهشی آماده شد و در سال ۱۳۸۴ در فصلنامه‌ی نوآوری‌های آموزشی به چاپ رسید.^۱

↑ گزارش پیشینه‌ی تاریخی مؤسسه‌ی پژوهشی

۱. عنوان مقاله علمی «طراحی ساختار سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی ایران، الگویی برای طراحی ساختار و تشکیلات در سازمان‌های مشابه» است که در شماره ۱۲ فصلنامه‌ی نوآوری‌های آموزشی، تابستان ۱۳۸۴ چاپ و منتشر شد.



خوشبختانه این گزارش‌ها هم‌اکنون در کتابخانه سازمان موجودند و من سعی می‌کنم علاوه بر ذکر چکیده آن‌ها، مطالب مهم‌تر را، از آنچه در حافظه دارم، تقدیم شما و خوانندگان فهیم و علاقه‌مند این فصلنامه نفیس و ارزشمند کنم.

اولین اداره پژوهشی رسمی سازمان یافته در وزارت آموزش و پرورش «اداره مطالعات و برنامه‌ها» بود که در تیرماه سال ۱۳۳۴ (دو سال پس از کودتای آمریکایی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲) با حضور پنج مستشار آمریکایی و ۲۵ کارشناس و کارمند ایرانی، در دایره‌های شش‌گانه زیر نظر معاونت آموزشی تأسیس شد. البته تا قبل از تأسیس این اداره، تنظیم برنامه تحصیلات در دوره‌های تحصیلی به‌عهده «اداره امتحانات و برنامه‌ها» بود که بنا به توصیه مستشاران آمریکایی، عنوان برنامه و وظایف آن از اداره امتحانات و برنامه‌ها جدا شد و به‌عهده «اداره کل مطالعات و برنامه‌ها»^۱ گذاشته شد و زیر نظر وزیر قرار گرفت.

تنظیم و اصلاح برنامه‌ها و آئین‌نامه‌های آموزشی در همه دوره‌های تحصیلی، تهیه و تنظیم انواع تست‌ها، از تشخیص استعدادها تا اندازه‌گیری پیشرفت تحصیلی، تعیین ارزش کار معلمان، راهنمایی مدرسه‌های نمونه و تجربی، تهیه متن کتاب‌ها، رساله‌ها و نشریات، توزیع برنامه‌ها و تمرکز بیشتر بر تحقیقات آموزشی، نمونه‌ای از وظایف اداره کل مطالعات و برنامه‌ها بود (در واقع بخش قابل توجهی از وظایفی که در حال حاضر سازمان پژوهش، معاونت آموزش ابتدایی و متوسطه، معاونت نیروی انسانی، پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش و مرکز سنجش آموزش و پرورش انجام می‌دهند، خلاصه‌شده آن‌ها در آن زمان توسط اداره کل مطالعات و برنامه‌ها انجام می‌شد).

با توجه به وظیفه‌ها و فعالیت‌های متنوع و گسترده اداره کل مطالعات و برنامه‌ها، برنامه‌ها حسب مورد به اداره‌های کل و دایره‌های متعددی که از آن منشعب شده بودند انتقال یافت و هرکدام در معاونت‌ها و بخش‌های دیگر تشکیلات وزارت آموزش و پرورش سامان‌دهی شدند. پس از جدانشدن برنامه‌ها از اداره کل مطالعات و برنامه‌ها، این اداره کل بیشتر فعالیت خود را در زمینه مطالعه و بررسی روی نظام آموزشی ایران (که به‌وسیله کارشناسان خارجی و هم‌فکران ایرانی و مأموران یونسکو انجام شد) متمرکز کرد که به تهیه «طرح تغییر نظام آموزشی» در سال ۱۳۴۳ منجر شد. در همین سال به‌منظور سامان‌دهی تألیف و تهیه کتاب‌های درسی، «سازمان کتاب‌های درسی ایران» تأسیس شد.

۱. به سبب گستردگی فعالیت‌ها، اداره مطالعات و برنامه‌ها به «اداره کل مطالعات و برنامه‌ها» ارتقا یافت.

■ واقعاً در آن زمان تغییر نظام آموزشی توسط یک اداره کل انجام شد؟

* البته باید عرض کنم پیشینه‌های تاریخی نشان می‌دهند، در شهریور ۱۳۳۶ اداره کل مطالعات ابتدا یک برنامه چهارساله برای تغییر نظام آموزشی تهیه و اعلام کرد و در اولین مرحله، شورایی به نام «شورای برنامه‌ریزی آموزش و پرورش» و کمیسیون‌های سیزده‌گانه‌ای در دوره‌های تحصیلی و بخش‌های گوناگون نظام آموزش و پرورش تشکیل شدند و فعالیت‌های آن‌ها باعث شد پس از هشت ماه نظام جدید در سال ۱۳۴۳ طراحی و در سال ۱۳۴۵ به مرحله اجرا گذاشته شود.

در سال ۱۳۴۴ کمیسیونی مرکب از کارشناسان مواد درسی گوناگون از سوی شورای برنامه‌ریزی در اداره کل مطالعات به تهیه برنامه‌های درسی پرداختند و برنامه تفصیلی دوره پنج‌ساله ابتدایی را تهیه و در خرداد سال ۱۳۴۵ آن را منتشر کردند. از مهرماه همان سال نظام جدید ۳-۴ اجرا شد. قانون سازمان کتاب‌های درسی در خردادماه سال ۱۳۴۶ با تصویب دو مجلس شورای ملی و سنا ابلاغ شد.

پس از رسمیت یافتن کمیسیون برنامه‌ریزی درسی دوره ابتدایی، کمیسیون برنامه‌ریزی درسی دوره راهنمایی تشکیل شد و در سال ۱۳۴۶ برنامه درسی این دوره هم منتشر شد. اجتماع کارشناسان برنامه‌ریزی درسی در دو کمیسیون دوره‌های ابتدایی و راهنمایی سبب شد در سال ۱۳۴۸ عنوان «اداره کل مطالعات و برنامه‌ها» به «مرکز تحقیقات و برنامه‌ریزی درسی» تغییر نام یابد و در کنار «دفتر هماهنگی و برنامه‌ریزی توسعه» زیر نظر معاونت آموزشی قرار گیرد؛ درحالی‌که سازمان کتاب‌های درسی به‌طور موازی به تألیف، چاپ و توزیع کتاب‌های درسی می‌پرداخت و دفترهای برنامه‌ریزی آموزشی در دوره‌های تحصیلی ابتدایی، راهنمایی، متوسطه و فنی و حرفه‌ای که همگی زیر نظر معاونت آموزشی قرار داشتند نیز مدعی توانایی برنامه‌ریزی درسی بودند.

امکانات وسیع، بورس‌های خارج از کشور و انحصاری بودن وضعیت مرکز تحقیقات و برنامه‌ریزی درسی سبب شد موج مخالفت‌ها به‌سوی آن سرازیر شود. بالاخره در سال ۱۳۵۵ لایحه قانونی تشکیل اولین سازمان پژوهشی رسمی با عنوان «سازمان پژوهش و نوسازی آموزشی» به تصویب مجلسین (شورای ملی و سنا) رسید و در مردادماه همان سال ابلاغ شد. بدین ترتیب سازمان کتاب‌های درسی، مرکز تحقیقات و برنامه‌ریزی درسی، دفتر انتشارات آموزشی، دفتر تکنولوژی آموزشی و سمعی و بصری، دفتر کتابخانه‌ها و اسناد و واحد مدرسه‌های تجربی تحت پوشش سازمان جدید قرار گرفتند. حدود یک سال پس از پیروزی انقلاب اسلامی، در اسفندماه ۱۳۵۸ بر اساس ماده واحده‌ای که در «شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران» به تصویب رسید، ماده ۳ قانون (موضوع ترکیب اعضای شورای سازمان) اصلاح شد و عنوان سازمان به «سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی» تغییر یافت و بدین ترتیب سازمان کتاب‌های درسی حذف شد و تشکیلات جدید از سال ۱۳۵۹ با شش دفتر کار خود را آغاز کرد.

پس از
رسمیت یافتن
کمیسیون
برنامه‌ریزی درسی
دوره ابتدایی،
کمیسیون
برنامه‌ریزی درسی
دوره راهنمایی
تشکیل شد

در تشکیلات جدید سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، مرکز تحقیقات و برنامه‌ریزی درسی به «دفتر تحقیقات و برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی» تغییر نام یافت و دو دفتر پژوهشی جدید با عنوان‌های «دفتر پژوهش امور هنری و نمونه‌سازی» و «دفتر پژوهش نظام‌های آموزشی جهانی»، همراه «دفتر هماهنگی طرح‌ها و برنامه‌ریزی توسعه» در تشکیلات سازمان استقرار یافتند؛ اما این تشکیلات تنها دو سال (۶۰-۱۳۵۹) دوام داشتند.

در سال ۱۳۶۱ تشکیلات سازمان مجدداً تغییر کرد و با حذف دو دفتر (یکی دفتر پژوهش نظام‌های جهانی و دومی دفتر طرح‌ها و برنامه‌ریزی توسعه) و حذف واژه پژوهش از دفتر پژوهش امور هنری، چهار دفتر باقی‌مانده ذیل دو معاونت (معاونت پژوهش و برنامه‌ریزی و ارزشیابی و معاونت فنی و اجرایی) سازمان‌دهی شدند. اما این تشکیلات سازمان نیز سه سال بیشتر دوام نیافت و در سال ۱۳۶۴ معاونت‌ها حذف شدند و دفترهای قبلی به‌علاوه دفتر پژوهش نظام‌های جهانی (که در تشکیلات سال ۱۳۶۱ حذف شده بود)، جمعاً پنج دفتر زیر نظر مستقیم رئیس سازمان قرار گرفتند و این تشکیلات تا سال ۱۳۶۹ باقی ماند.

در این مدت واژه پژوهش مجدداً به دفتر امور هنری بازگشت، باین حال این‌جانب از زمان حضور این دفتر و سایر دفترهای تحقیقاتی سازمان (به‌جز دفتر پژوهش نظام‌های



جهانی که استاد مرحوم آقای دکتر بهرام محسن‌پور چند گزارش آموزش و پرورش تطبیقی از کشورهای متفاوت منتشر کرد)، گزارش پژوهشی مدونی از آن‌ها تا حذف‌شدنشان در سازمان نیافتم^۱. البته گزارش تاریخچه سازمان که توسط استاد مرحوم آقای دکتر سید محمد کاظم نائینی نگاشته شده و در کتابخانه سازمان موجود است (و بنده نیز از آن در چند گزارش و در همین گفت‌وگو استفاده کرده‌ام) را می‌توان یک گزارش پژوهشی اجمالی دانست.

↑ گزارش پیشینه تاریخی موسسه پژوهشی

۱. به‌مصاحبه آقای دکتر علیرضا کیامنش در شماره ۱۵ مراجعه شود.

از ابتدای مهرماه
سال ۱۳۶۷ واحد
پژوهشی غیررسمی
با عنوان: «بخش
پژوهش و تحقیقات
در معاونت آموزش
فنی و حرفه‌ای»
تأسیس شد

در سال ۱۳۷۰ دو دفتر پژوهش نظام‌های جهانی و پژوهش امور هنری و نمونه‌سازی حذف شدند و مرکز تحقیقات آموزشی جایگزین آن‌ها شد. علاوه بر این، چهار مدیریت پشتیبانی‌کننده ذیل دو معاونت (اداری و مالی، چاپ و توزیع) قرار گرفتند.

اما خارج از سازمان پژوهش، از ابتدای مهرماه سال ۱۳۶۷ واحد پژوهشی غیررسمی با عنوان: «بخش پژوهش و تحقیقات در معاونت آموزش فنی و حرفه‌ای» تأسیس شد و این‌جانب با حفظ سمت مشاور معاون وزیر (با ابلاغی که توسط وزیر آموزش و پرورش وقت، آقای دکتر محمدعلی نجفی صادر شد) به‌عنوان مدیر آن بخش شروع به کار کردم. البته از چند ماه قبل مقدمات تشکیل آن بخش را در معاونت آموزش فنی و حرفه‌ای فراهم کرده بودم.

در اسفندماه سال ۱۳۶۷، شورایی غیررسمی به ریاست وزیر آموزش و پرورش و چند تن از معاونان وزارت آموزش و پرورش و تعدادی از دانشگاهیان با عنوان «شورای تحقیقات وزارت آموزش و پرورش» شکل گرفت. این شورا که ریاست آن با وزیر آموزش و پرورش و دبیری آن به عهده مدیرکل وقت مرکز تحقیقات سازمان پژوهش (دکتر محمود مهرمحمدی) بود، مسئولیت سیاست‌گذاری، بررسی و تصویب عنوان‌ها و طرح‌های پژوهشی و تعیین ناظران طرح‌ها و تخصیص اعتبارات طرح‌های پژوهشی را به‌عهده داشت.

در تیرماه سال ۱۳۶۸، بخش غیررسمی پژوهش و تحقیقات جای خود را به اولین واحد پژوهشی رسمی در معاونت آموزش فنی و حرفه‌ای و سومین واحد پژوهشی در وزارتخانه با عنوان «دفتر تحقیقات و برنامه‌ریزی آموزش فنی و حرفه‌ای» داد. این‌جانب هم که خود این دفتر را تأسیس کرده بودم، مسئولیت مدیرکلی آن را نیز به عهده گرفتم. در بهمن‌ماه همان سال طرحی غیررسمی با عنوان: «طرح تأسیس واحدهای پژوهشی در معاونت آموزش فنی و حرفه‌ای استان‌ها» ابلاغ شد و با حضور عوامل رسمی معاونت‌ها، فراتر از وظایف سازمانی خود، با فاصله‌های زمانی متفاوت در استان‌ها فعالیت خود را آغاز کردند.

در سال ۱۳۶۹ شورایی غیررسمی به‌نام «شورای تحقیقات استان‌ها و کمیته‌های پژوهشی در معاونت‌های حوزه ستادی» تشکیل و به فاصله‌های زمانی متفاوت فعالیت‌های مربوط را شروع کردند.

در سال ۱۳۷۰ واحد پژوهشی غیررسمی در «سازمان انجمن اولیا و مربیان»، فعالیت‌های پژوهشی خود را در زمینه مسائل خانواده آغاز کرد.

در سال ۱۳۷۱ کمیته‌های پژوهشی غیررسمی در حوزه معاونت‌های وزارتخانه به‌عنوان دنباله‌های پژوهشی شورای تحقیقات شکل گرفتند.

در سال ۱۳۷۴ دو پژوهشکده با مجوز وزارت علوم در آموزش و پرورش تأسیس شدند. بدین ترتیب چهارمین واحد پژوهشی رسمی به‌نام «پژوهشکده تعلیم و تربیت» (زیر نظر وزیر آموزش و پرورش) و پنجمین واحد پژوهشی رسمی به‌نام «پژوهشکده کودکان

سازمان به مدت
حدود پنج سال (از
سال ۱۳۷۵ تا سال
۱۳۷۹) فاقد واحد
پژوهش رسمی بود

استثنایی» (زیر نظر سازمان آموزش و پرورش کودکان استثنایی) فعالیت رسمی پژوهشی خود را آغاز کردند.

در سال ۱۳۷۵ مرکز تحقیقات آموزشی منحل شد و پست‌های آن به پژوهشکده تعلیم و تربیت (زیر نظر وزیر آموزش و پرورش) انتقال یافت. همچنین دو دفتر آموزش ابتدایی و آموزش راهنمایی، همراه اداره کل امتحانات از معاونت آموزشی منفک و به سازمان منتقل شدند و در کنار سه دفتر «برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی»، «دفتر انتشارات کمک‌آموزشی» و «دفتر تکنولوژی آموزشی» و یک معاونت پشتیبانی قرار گرفتند.

به این ترتیب چهار واحد پژوهشی که در زمان‌های متفاوت در سازمان پژوهش استقرار یافته بودند، همگی منحل شدند و سازمان به مدت حدود پنج سال (از سال ۱۳۷۵ تا سال ۱۳۷۹) فاقد واحد پژوهش رسمی بود.

در سال ۱۳۷۶ ششمین واحد پژوهشی رسمی با عنوان: «پژوهشکده خانواده» براساس موافقت اصولی وزارت فرهنگ و آموزش عالی جایگزین واحد پژوهشی غیررسمی (تشکیل شده در سال ۱۳۷۰) در سازمان انجمن اولیا و مربیان شد. در موافقت اصولی، تحقیقات بنیادی و کاربردی و آسیب‌شناسی مسائل خانواده به عهده این پژوهشکده گذاشته شده بود.

در سال ۱۳۷۷ آقای مظفر، در مقام وزیر آموزش و پرورش، جایگاه معاونان وزیر در بخش‌های متفاوت را تغییر داد و در این تغییرات مرحوم آقای مهندس علاقه‌مندان از معاونت آموزش متوسطه به ریاست سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی منصوب و انتقال یافت. اگر اجازه بدهید از اینجا به بعد به سؤال سرکار خانم دکتر ملایی‌نژاد درباره چرایی و چگونگی تأسیس مؤسسه پژوهشی در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی توضیح بدهم.

لطفاً در صورت امکان جزئیات را هم شرح بدهید.

هر چند موضوع مربوط به حدود ۲۵ سال قبل است، اما چون وقایع آن زمان را ثبت کرده‌ام و به مناسبتی قبلاً در جمعی از همکاران بیان کرده‌ام، تا آنجا که حضور ذهن دارم و به‌عنوان تاریخ شفاهی، سعی می‌کنم وقایع را نیز بیان کنم. آذرماه ۱۳۷۷ بود که این‌جانب از مأموریت خارج کشور بازگشتم و در حالی که از نزدیک شدن به مرحوم مهندس علاقه‌مندان دوری می‌کردم^۱، روزی که با تلاش زیاد ابلاغ تدریس در «دانشگاه

۱. از آنجا که بیش از ۱۷ سال مدیریت در سطوح منطقه، استان و ستاد را تجربه کرده بودم و از طرف دیگر لذت مدرسه و دانشگاه و در کنار دانش آموز و دانشجو بودن را پس از مدت‌ها، طی دو سال مأموریت در مدرسه‌های جمهوری اسلامی در امارات متحده عربی و در دانشگاه آزاد اسلامی (واحد امارات متحده عربی متحده) حس کرده بودم، تصمیم گرفته بودم به کار اداری ادامه ندهم و در پی گرفتن ابلاغ قبلی‌ام، به دانشگاه شهید رجایی بودم. بنابراین از مرحوم مهندس علاقه‌مندان که به جد پیگیر جلب همکاری من بود، فرار می‌کردم. علاوه بر تماس‌های مکرر منشی ایشان، آن مرحوم خودش چند بار با منزل ما تماس گرفته بود و به همسرم پیغام داده بود که می‌خواهد مرا ببیند. حتی آقای مهندس جعفرآبادی را وادار به تماس کرد، اما من تصمیم گرفته بودم به واحد آموزشی بروم.

سؤال‌های زیادی در ذهن مهندس علاقه‌مندان مطرح بودند که پاسخ قانع‌کننده‌ای برای آن‌ها نمی‌یافت

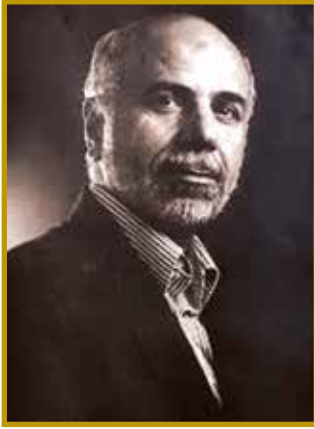
شهید رجایی» را از مهندس آزاد، معاون دفتر تالیف و آموزش فنی و حرفه‌ای که در سازمان پژوهش مستقر بود گرفتیم و عازم دانشگاه شهید رجایی بود، به‌محض پیاده شدن از آسانسور ساختمان شهید قرنی، ناگهان با مهندس علاقه‌مندان مواجه شدم و ایشان وقتی مرا دید با خوش حالی بغلم کرد و گفت: «در آسمان دنبالت می‌گشتم و روی زمین یافتتم» و در حالی که دست مرا محکم گرفته بود، به‌طرف دفتر ایشان در خیابان ایرانشهر رفتیم. در آنجا پس از ۶/۵ ساعت صحبت و گفت‌وگو بنده را قانع کرد که به سازمان بیایم و در کنار ایشان باشم.

لذا فردای آن روز کار خود را به‌عنوان مشاور پژوهشی رئیس سازمان از پشت یک میز در طبقه چهارم ساختمان شهید قرنی (که آن مرحوم پیش‌بینی کرده بود) شروع کردم. لازم است توضیح بدهم که علت اصرار مهندس علاقه‌مندان در مورد همکاری من با ایشان، تجربه همکاری مشترک پنج‌ساله ما در معاونت آموزش فنی و حرفه‌ای (که بعداً در معاونت آموزش متوسطه ادغام شد) و تأسیس دفتر تحقیقات و برنامه‌ریزی آموزش فنی و حرفه‌ای در آن معاونت بود (۷۱-۱۳۶۷).

در آن ۶/۵ ساعت گفت‌وگو درباره چرایی احیای پژوهش در سازمان، با توجه به اهداف و وظایف رسمی سازمان و ضرورت قرار گرفتن واژه پژوهش در عنوان سازمان به‌تفصیل بحث شد. واقعیت این بود که از سال ۱۳۷۴ مرکز تحقیقات سازمان مجری سفارشات وزیر بود و سازمان عملاً فاقد تشکیلات و عملکرد پژوهشی رسمی و حتی غیررسمی برای جامعه عمل پوشاندن به اهداف و وظایفش بود. آن مرحوم در نیمه دوم سال ۱۳۷۷ با سازمانی مواجه شده بود که می‌باید هر روز تصمیم مهمی بگیرد که دارای پشتوانه علمی - پژوهشی و یا برخوردار از تجربه غنی و مفید باشد، درحالی که هیچ‌یک از این پشتوانه‌ها وجود نداشت و تنها نظر یک گروه برنامه‌ریزی در دفتر تألیف یا سایر دفترها، زیربنای تصمیمات رئیس سازمان بود.

سؤال‌های زیادی در ذهن مهندس علاقه‌مندان مطرح بودند که پاسخ قانع‌کننده‌ای برای آن‌ها نمی‌یافت. لذا به این نتیجه رسیده بود که: اولاً، خود به مطالعه زیادی نیاز دارد و در این راه شب‌ها تا دیر هنگام مشغول مطالعه بود. ثانیاً، ضروری بود هرچه سریع‌تر مرجعی صلاحیت‌دار و یک‌واحد رسمی علمی - پژوهشی در سازمان تأسیس شود و پروژه‌های تحقیقی متعدد برای پاسخ به سؤال‌های اساسی و راه‌حل مسائل مبتلابه سازمان تعریف و اجرا شوند. یادم هست که ایشان در ماه‌های آغازین مسئولیت خود در سازمان، نتایج مطالعات اولیه خود را طی سلسله نشست‌هایی ارائه کرد و درباره اهداف و مأموریت سازمان و نقش سازمان به‌عنوان مغز و قلب آموزش و پرورش و نیز راهبردهای مدیریتی برای رسیدن به مهم‌ترین

۱. لازم به توضیح است مهندس آزاد قبلاً معاون بنده در دفتر تحقیقات و برنامه‌ریزی آموزش فنی و حرفه‌ای بود و در آن زمان ایشان نیز در همان دفتر (که با حذف واژه تحقیقات از عنوان دفتر) سمتش را حفظ کرده بود.



زنده‌یاد مهندس علاقه‌مندان

هدف سازمان (اعتلای کیفیت برنامه‌های درسی در آموزش و پرورش)، به‌ویژه درباره‌ی ضرورت وجود تشکیلات معتبر علمی - پژوهشی در سازمان برای حل مسائل اساسی آموزش و پرورش، سخنرانی‌های متعددی داشت. آنچه به‌اجمال عرض کردم، به‌علاوه بررسی‌های این‌جانب که روی پیشینه مؤسسه‌های پژوهشی سازمان انجام دادم و در ادامه به‌طور مشروح توضیح خواهم داد، چرایی و ضرورت تأسیس یک مؤسسه علمی - پژوهشی رسمی در سازمان را توجیه می‌کند. اما مأموریت بنده در سازمان جامعه عمل پوشاندن به بخش تأسیس واحد علمی - پژوهشی رسمی در سازمان بود. از اینجا به بعد مطالبم درباره‌ی چگونگی تأسیس «مؤسسه پژوهشی برنامه‌ریزی درسی و نوآوری‌های آموزشی» است. سعی می‌کنم وقایع را به ترتیب و هرکدام را در قالب گام‌های برداشته‌شده تا اجرا شرح دهم:

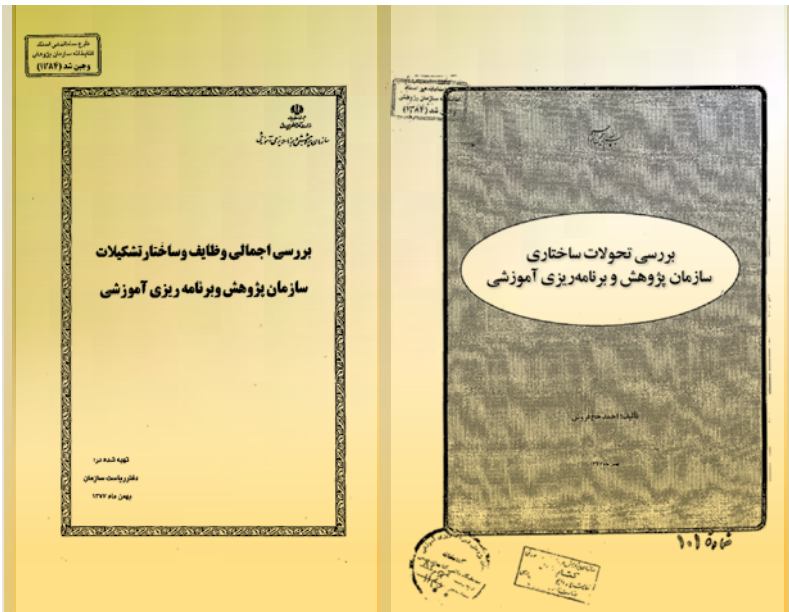
اولین گام؛ احیای کمیته پژوهشی سازمان: این کمیته مدت‌ها بود تعطیل شده بود. در اولین جلسه کمیته گزارش یک طرح پژوهشی مهم با عنوان «بررسی توان ذهنی کودکان دبستانی در جمهوری اسلامی ایران» که توسط استاد مرحوم سرکار خانم دکتر پریخ دادستان (شاگرد ژان پیاژه) انجام شده بود، ارائه شد. پس از اعلام نظر استاد ناظر، طرح آقای دکتر غلامعلی افروز و نظرات اعضای کمیته گزارش مورد تأیید قرار گرفت. در همین جلسه موافقت شد این طرح در دوره راهنمایی هم به اجرا درآید و مقرر شد خانم دکتر دادستان طرح جداگانه‌ای برای تصویب به کمیته ارائه دهند.

دومین گام؛ تعیین اولویت‌های پژوهشی سازمان: چون از قبل در شورای مدیران درباره این اولویت‌ها بحث شده بود، با اصلاحاتی در کمیته پژوهشی اولویت‌ها به تصویب رسیدند و قرار شد برای نهایی‌شدن به شورای تحقیقات ارسال شوند.

سومین گام؛ مطالعه اجمالی روی تشکیلات سازمان: بنده این کار را ظرف دو ماه به انجام رساندم و حاصل را طی دو گزارش اجمالی تقدیم رئیس سازمان کردم.^۱ در این زمینه پس از مذاکره با رئیس سازمان قرار شد ابتدا واحد پژوهشی غیررسمی با حضور چند تن از کارشناسان علاقه‌مند به فعالیت‌های پژوهشی که در دفترهای سازمان فعالیت می‌کردند، تشکیل شود و این‌جانب به‌صورت چراغ خاموش تأسیس واحد پژوهشی رسمی را پیگیری کنم.^۲

۱. عنوان گزارش اول «بررسی اجمالی وظایف و ساختار تشکیلات سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی» (ابتدای بهمن‌ماه ۷۷) و عنوان گزارش دوم «بررسی تحولات ساختاری سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی» (روزهای پایانی بهمن‌ماه ۷۷) بود. این دو گزارش در کتابخانه سازمان موجود هستند.

۲. علت توصیه مهندس علاقه‌مندان به پیگیری تأسیس واحد پژوهشی رسمی به‌صورت چراغ خاموش این بود که از زمان بررسی تشکیلات سازمان توسط این‌جانب، مدیران و حتی کارکنان دفترهای سازمان، با توجه به سابقه تغییرات متعدد در تشکیلات سازمان، حساس و نگران تغییرات جدید در تشکیلات سازمان شده بودند.



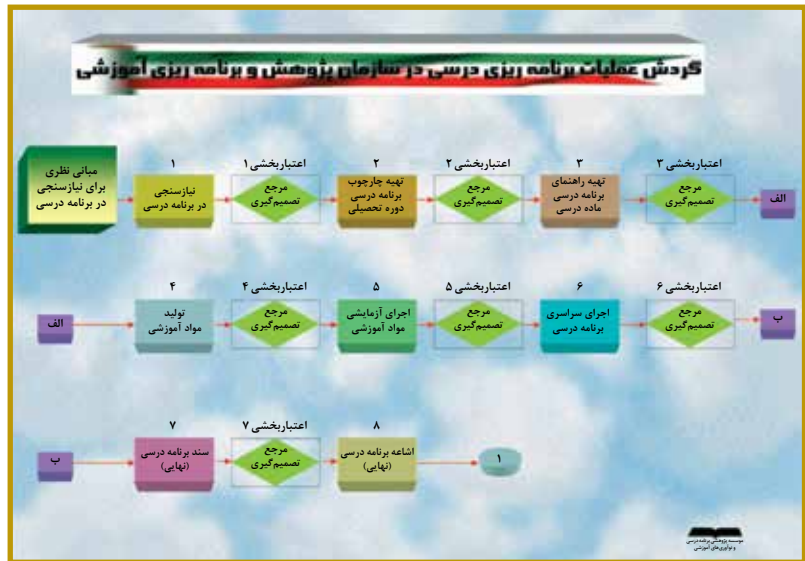
چهارمین گام، تشکیل واحد پژوهشی غیررسمی در سازمان: این واحد به تدریج با حضور تعدادی از کارشناسان علاقه‌مند به فعالیت‌های پژوهشی که در دفترهای برنامه‌ریزی سازمان کار می‌کردند، طی سه ماه ابتدای سال ۱۳۷۸ تشکیل شد و اولین مأموریت این واحد پژوهشی جمع‌بندی نظرات معلمان و کارشناسان دوره ابتدایی در همایش پنج‌روزه تنکابن به منظور بررسی محتوای آموزشی کتاب‌های درسی دوره ابتدایی از هفت منظر بود. همکاران نخستین من در واحد پژوهشی، آقایان دکتر علی اصغر خلاق، سرکار خانم دکتر اعظم ملایی‌نژاد و سرکار خانم طیبه امام‌جمعه، از دفتر برنامه‌ریزی و تألیف آموزش فنی و حرفه‌ای بودند. جناب آقای غلامرضا حمیدزاده بعداً از معاونت پرورشی وزارتخانه به ما پیوستند.

مرحله‌های برنامه‌ریزی درسی در سازمان

هرچند این موضوع خارج از فعالیت‌های این جانب و واحد پژوهشی بود، ولی به‌طور تصادفی به بنده محول شد. جزئیات موضوع چنین بود که مدیر کل وقت دفتر برنامه‌ریزی و تألیف سازمان، در یکی از جلسه‌های شورای مدیران موظف شد مرحله‌های برنامه‌ریزی درسی تا تألیف کتاب درسی را تنظیم کند و به شورای مدیران ارائه دهد. آن روز فرارسید و آن مراحل را که معاون دفتر برنامه‌ریزی درسی تهیه کرده بود، مدیر کل دفتر در شورای مدیران ارائه کرد.

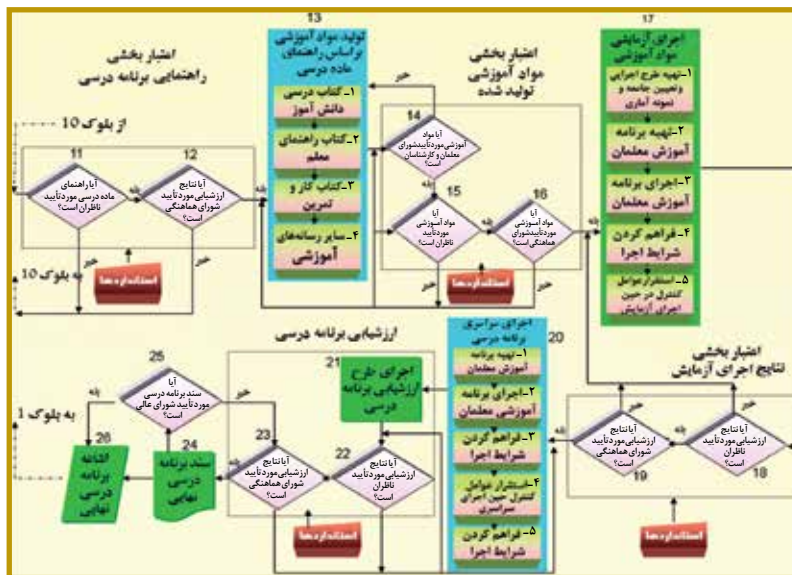
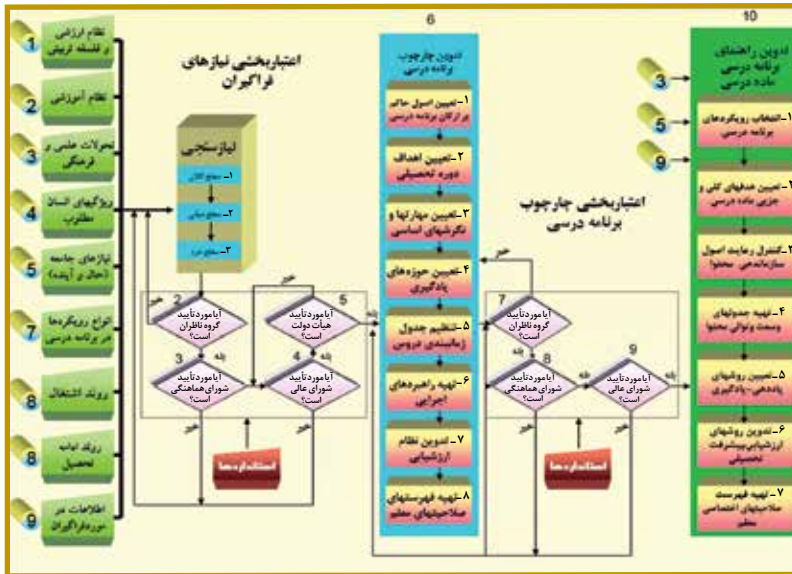
پس از توضیحات مدیر کل دفتر برخی شرکت‌کنندگان، از جمله بنده نظرات اصلاحی دادیم،

ولی آقای مدیرکل نظرات را بدون استدلال قانع کننده رد می کرد. دوباره وقت گرفتیم و نمودار تهیه شده را با تأکید بر نگرش سیستمی که در فلوجارت های مرحله های عملیات می باید رعایت می شد، مورد انتقاد قرار دادم و پیشنهادهای اصلاحی ارائه کردم. اما آقای مدیرکل به جای پاسخ اصولی، پیشنهاددهنده را زیر سؤال برد و گفت بهتر است مهندسان در موارد مربوط به رشته خودشان نظر بدهند و به کار متخصصان برنامه ریزی درسی ایراد وارد نکنند. این پاسخ جناب مدیرکل سبب اعتراض اکثر شرکت کنندگان در جلسه، به ویژه مهندس علاقه مندان شد و اینجا بود که ایشان کار را به بنده محول کرد. البته از ایشان درخواست کردم اجازه دهند مدیرکل دفتر مربوط با توجه به پیشنهادهای حاضران خودشان اصلاحات را اعمال و در جلسه آتی بیاورند، ولی رئیس سازمان پیشنهاد مرا نپذیرفت.



پنجمین گام؛ طراحی نقشه کلی نظام برنامه ریزی درسی در سازمان: در جلسه هفته بعد شورای مدیران، این جانب مرحله های عملیات برنامه ریزی درسی را در قالب یک فلوجارت با در نظر گرفتن همه داده های ورودی، عملیات، داده های خروجی، بازخورد، کنترل و ارزیابی ها به صورت نظام مند طراحی کردم و در یک صفحه به قطع A3 با عنوان «نقشه کلی نظام برنامه ریزی درسی در سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی» ارائه دادم. چون از بخش هایی از محتوای نمودار قبلی هم استفاده کرده بودم، نام معاون دفتر برنامه ریزی و تألیف سازمان را نیز در کنار نام خودم به عنوان طراح دوم زیر فلوجارت نوشتم. در این جلسه که معاون دفتر نیز حضور داشت، نقشه ارائه شده با توجه به جامع بودن (بدون حتی تغییر جزئی) با تأیید همه اعضای شورا تصویب شد. همین نتیجه در جلسه

شورای هماهنگی علمی سازمان نیز حاصل شد. علاوه بر این در جلسه خصوصی اعضای شورای مدیران سازمان با مقام معظم رهبری، پس از گزارش مهندس علاقه‌مندان درباره فعالیت‌های سازمان و ارائه توضیح درباره نقشه کلی نظام برنامه‌ریزی درسی، مقام معظم رهبری نقشه را دریافت کردند.



↑ نقشه‌های کلی نظام برنامه‌ریزی

هر روز امید برای
صدور مجوز
تأسیس پژوهشکده
از سوی وزارت
علوم بیشتر می‌شد

ششمین گام؛ توسعه واحد پژوهش با اضافه شدن کارشناسان بیشتر از دفت‌های سازمان و افزایش فعالیت‌ها: سال ۱۳۷۸ و نیمه اول سال ۱۳۷۹ واحد پژوهش از یک میز در طبقه ششم به چند میز و اشغال همه طبقه گسترش یافت و متعاقباً نیمی از طبقه پنجم را به خود اختصاص داد؛ به طوری که هر روز بخشی از بخش‌های دیگر سازمان نگران کوچ اجباری و ادغام و محدودیت در حوزه خود بودند. بعضی دوستان به مزاح ما را با رژیم اشغالگر مقایسه می‌کردند! اما واحد پژوهش توقف‌ناپذیر بود، چرا که طرح‌های پژوهشی سازمان یکی پس از دیگری به تصویب می‌رسیدند و به مرحله اجرا گذاشته می‌شدند. به این ترتیب فعالیت‌های واحد پژوهش گسترش می‌یافتند و هر روز امید برای صدور مجوز تأسیس پژوهشکده از سوی وزارت علوم بیشتر می‌شد. تا اینکه بالاخره رئیس فقید سازمان موافقت کرد، اعتبار لازم به منظور خرید ساختمان جدید برای پژوهشکده تأمین شود. البته مهندس علاقه‌مندان می‌خواست بخشی از کمبودهای فضای اداری سازمان را هم از طریق ساختمان جدید تأمین کند که در این باره من سکوت اختیار کردم.

گام هفتم؛ طراحی نظام تحقیقات در سازمان پژوهش (و تکمیل مرحله‌های آن بعداً در مؤسسه پژوهشی): حالا که واحد پژوهش برای بخش برنامه‌ریزی درسی سازمان نظام طراحی کرده بود، این توقع و انتظار هم شکل گرفت که خود برای سامان‌دهی تحقیقات در سازمان، از نظام تحقیقات منسجم و جامعی برخوردار باشد.



لذا برای اولین بار برای نظام‌مند کردن بخش پژوهش، همه داده‌ها و فرایندهای مربوط به پژوهش، از مسئله‌یابی، فرایند تبدیل مسئله به عنوان پژوهش، فرایند فراخوان عنوان‌های پژوهشی و فرایند دریافت پیشنهادها، پژوهشی، فرایند ارزشیابی پیشنهادها، رسیده، فرایند بررسی و ارزشیابی طرح‌های رسیده، ابلاغ به پژوهشگر و عقد قرارداد با پیشنهادها، تأیید شده و فرایند نظارت و ارزیابی نهایی گزارش‌های مرحله‌ای پژوهش تا انتشار گزارش‌ها و انتقال به فرایند کاربست نتایج تحقیقات، همه و همه در نظام تحقیقات سازمان پیش‌بینی شدند.^۱

۱. البته بعداً در کتابی کم‌حجم با عنوان «نظام تحقیقات در مؤسسه پژوهشی برنامه‌ریزی درسی و نوآوری‌های آموزشی» انتشار یافت و راهنما و الگوی سایر مؤسسه‌های پژوهشی کشور شد.

گام هشتم؛ آمادگی برای حضور بازرسان وزارت علوم: یک روز از دفتر آقای دکتر توکل (معاون پژوهشی وزارت علوم) به بنده خبر دادند پس فردا (روز سه‌شنبه) یک گروه هفت‌نفری (که از سوی شورای گسترش وزارت علوم تعیین شدند)، برای بررسی ضرورت تأسیس پژوهشکده و صدور موافقت اصولی به سازمان می‌آیند. البته چون این‌جانب به‌طور مداوم درخواست تأسیس پژوهشکده را پیگیری می‌کردم، قبلاً تمهیدات لازم اعم از هماهنگی با دفتر برنامه‌ریزی و محل‌های بازدید استنادی که از چند دانشگاه قرار بود بیایند و فایل پاورپوینت از فعالیت‌های سازمان و واحد پژوهش را برنامه‌ریزی و پیش‌بینی کرده بودم. (بازرسی مربوط به بازدید ساختمان پژوهشکده نبود، چرا که بازدید از ساختمان وقتی صورت می‌گیرد که قرار است مجوز قطعی صادر شود). این بازدید قرار بود شامل آن بخش از فعالیت‌های سازمان پژوهش باشد که انجام آن‌ها نیازمند و موقوف به انجام پژوهش است. بازرسان وزارت علوم می‌خواستند بدانند فعالیت‌های سازمان نیازمند تأمین پشتوانه‌های علمی- پژوهشی توسط یک پژوهشکده تحت نظارت وزارت علوم هست یا خیر؟

بالاخره آن روز فرارسید و بازرسان (که در واقع گروه استادان متخصص در رشته‌های گوناگون و غالباً از دانشگاه تهران بودند)، در سازمان حضور یافتند و پس از جلسه‌ی مقدماتی درباره‌ی آشنایی با ساختار سازمانی و نوع فعالیت‌های دفترهای سازمان، با توجه به هماهنگی قبلی، بازدید و گفت‌وگوی استادان دانشگاه با مدیران و یا کارشناسان گروه‌های برنامه‌ریزی درسی در دوره‌ها و رشته‌های تحصیلی متفاوت (که بالغ بر ۲۰ گروه برنامه‌ریزی درسی بودند)، نه برای امکان‌سنجی تأسیس پژوهشکده، بلکه به‌عنوان آشنایی استادان با فعالیت‌های برنامه‌ریزی دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی انجام گرفت.

بدین ترتیب مدیر هر گروه یا یکی از کارشناسان ارشد گروه، درباره‌ی مرحله‌های برنامه‌ریزی درسی و اصلاحات و تغییراتی که هر سال در کتاب‌های درسی اعمال می‌شدند، به استادان توضیح می‌دادند. این بازدید و گفت‌وگوی استادان با اعضای گروه‌های برنامه‌ریزی درسی دو روز و هر روز بیش از شش ساعت طول کشید. لذا دیگر فرصت نشد به سایر دفترها مراجعه کنند، چرا که برای مثال، دفتر تألیف آموزش فنی‌وحرفه‌ای و کار دانش سازمان برنامه‌ریزی و تألیف چند ده رشته و چند صد کتاب درسی را انجام داده بود، یا دفتر انتشارات کمک‌آموزشی همه‌ماهه‌ها نشریه منتشر می‌کرد. آشنایی با عملکرد این دفترها نیازمند اختصاص زمان زیادی بود. لذا به شنیدن توضیحات این‌جانب درباره‌ی فعالیت‌های بقیه‌ی دفترهای سازمان اکتفا کردند.

در پایان بازدید و مصاحبه‌ی استادان با مدیران گروه‌ها و کارشناسان برنامه‌ریزی درسی گروه استادان که در رشته‌های گوناگون تخصص داشتند را به سالن اجتماعات هدایت کردم. سپس با استفاده از گزارش‌های متعدد در فایل‌های پاورپوینت، مشتمل بر

البته از شما چه
پنهان پژوهشکده
دوم (ارزشیابی و
نوآوری آموزشی)
ایده آل خودم بود

نقشه کلی نظام برنامه‌ریزی درسی و مرحله‌های عملی آن در گروه‌های برنامه‌ریزی درسی، به تفکیک دوره‌ها و رشته‌ها و پایه‌های تحصیلی گوناگون، شیوه گردآوری و تولید محتوا، و تألیف، ارزشیابی و چاپ حدود ۱۸۰ میلیون جلد کتاب درسی را برای ایشان شرح دادم. در ادامه هم عملکرد شورای پژوهش سازمان، طرح‌های پژوهشی پایان‌یافته و در دست اجرا، نظام تحقیقات جدیداً طراحی شده در سازمان، آسیب‌های ناشی از فقدان نهاد علمی-پژوهشی صلاحیت‌دار، نبود استادان و پژوهشگران مجرب برای حل مسئله‌های بنیادی، کاربردی و توسعه‌ای سازمان، به بازدیدکنندگان توضیح دادم. نحوه توضیح به‌قدری گویا و روشن بود که گروه بازدیدکننده آموزش عالی برای اولین بار با حجم وسیع، متنوع و گسترده‌ای از فعالیت‌های نیازمند به پژوهش در سازمان پژوهش برنامه‌ریزی آموزشی مواجه، آشنا و شگفت‌زده شدند.

گام نهم؛ دستیابی به موافقت قطعی وزارت علوم: پس از پیگیری‌های متعدد و گذشت حدود ۱/۵ ماه از بازدید گروه استادان از سازمان، در آخرین روز سال ۱۳۷۸ (۲۸ اسفند) مهندس علاقه‌مندان مرا به دفتر خود خواند و ابتدا گفت: «احمد به خاطر خبری که الان به دستم رسید و می‌خواهم به تو بدهم ناراحت نشوی.»
گفتم: «خیر است انشاءالله.»

گفت: «بگویم؟»

گفتم: «مهندس داری نگرانم می‌کنی چی شده؟»

گفت: «متأسفانه وزارت علوم با تأسیس پژوهشکده موافقت نکرده...» و نامه شورای گسترش را به من نشان داد. بسیار شگفت‌زده شدم. چون درحالی‌که از لحن مهندس علاقه‌مندان فهمیده بودم دارد سربه‌سرم می‌گذارد و خود را آماده کرده بودم با موافقت اصولی پژوهشکده مواجه شوم، اما در نهایت تعجب با موافقت قطعی، آن‌هم نه یک پژوهشکده، بلکه مجوز دو پژوهشکده (۱. پژوهشکده برنامه‌ریزی درسی و ۲. پژوهشکده ارزشیابی و نوآوری‌های آموزشی) مواجه شدم.

ناخودآگاه مهندس را بغل کردم و گفتم: «باورم نمی‌شود، بالاخره افرادی پیدا شدند که با وسعت دید تصمیم بگیرند.^۱ بالاخره تلاش همگی ما به بار نشست.»
مهندس با من روبوسی کرد و گفت: «همه سازمان این موفقیت بزرگ را مدیون زحمات‌های تو می‌دانند.»

گفتم: «خیر این نتیجه حاصل تلاش جمعی همه و حمایت‌های بی‌دریغ شما بوده است.»

بعدها آقای دکتر توکل گفت: «در تاریخ شورای گسترش سابقه نداشته است که فراتر از

۱. البته از شما چه پنهان پژوهشکده دوم (ارزشیابی و نوآوری آموزشی) ایده آل خودم بود که همراه دلایل پیشنهادی‌ام، تنها به یکی از اعضای گروه که از من نظر خواسته بود، خصوصی گفته بودم، اما هیچ‌گاه تصور نمی‌کردم که او بتواند بقیه اعضای گروه را هم قانع کند و روزی همان دلایل را از آقای دکتر توکل بشنوم.

ظرف دو هفته
۲۶ ساختمان را
شناسایی و بازدید
کردم و فهرست
مشخصات را
برای مهندس
علاقه‌مندان (ره)
فرستادم

درخواست دستگامی (اشاره به درخواست ما برای تأسیس یک پژوهشکده) مجوز صادر شود. علت صدور این مجوز این بود که استادان خیلی زیاد تحت تأثیر فعالیت‌های وسیع سازمان قرار گرفتن و گزارش دلایل گروه استادان و اصرار آن‌ها، سبب پذیرش اعضای شورای گسترش برای صدور مجوز قطعی دو پژوهشکده شد. بنا به تعریف گروه استادان: اولاً، چون بایستی ارزشیابی نتایج تحقیق در برنامه‌های درسی که در پژوهشکده برنامه‌ریزی درسی انجام می‌شود خارج از آن پژوهشکده انجام شود، لذا پژوهشکده دوم پیشنهاد شده است.

ثانیاً، پژوهشکده ارزشیابی و نوآوری‌های آموزشی، بایستی، ضمن ارزشیابی نتایج تحقیقات انجام‌شده در پژوهشکده برنامه‌ریزی درسی فقط به اجرای پژوهش‌های از نوع ارزشیابی و نوآوری در آموزش بپردازد.

ظرف دو هفته ۲۶ ساختمان را شناسایی و بازدید کردم و فهرست مشخصات را برای مهندس علاقه‌مندان (ره) فرستادم؛ هر چند ایشان مرا برای انتخاب ساختمان محدود نکرده بود اما حدود اعتبار پیش‌بینی شده و موقعیت مکانی را به اطلاع آقای مستقیمی مشاور امور تدارکات و رفاه سازمان که مأمور خرید ساختمان بود گذاشته بود؛ پس از چانه‌زنی‌های بسیار با مهندس علاقه‌مندان هیچ‌یک از ۲۶ ساختمانی که پیشنهاد کرده بودم انتخاب نشد و در کمال نارضایتی مرا در برابر ساختمان مسکونی ۵ طبقه خریداری شده در کوچه خسرو (محل کنونی پژوهشگاه) قرار دادند و از من خواستند مطابق نیازهای پژوهشکده‌ها، نقشه بازسازی ساختمان از مسکونی به اداری را به پیمانکار بدهم.

به تعداد میزها درخواست صندلی‌های گردان و کامپیوتر کردم. معاونت پشتیبانی وقت با دشواری زیاد توانستم نیمی از اتاق‌ها را تجهیز کنم. هدف من دایر کردن اولین پژوهشکده نظام‌مند، الکترونیکی برخط و بدون کاغذ بود که خوشبختانه با حمایت بی‌دریغ زنده‌یاد مهندس علاقه‌مندان؛ این مهم تحقق یافت.

گام دهم؛ دستیابی به مجوز قطعی مؤسسه پژوهشی از وزارت علوم:

در ساختارهای سازمانی مؤسسات پژوهشی وزارت علوم دیده بودم هر دستگامی دو پژوهشکده داشته باشد می‌تواند تحت مدیریت واحد پیشنهاد یک مؤسسه پژوهشی بدهد؛ در این راستا پیش‌نویس نامه‌ای را به‌عنوان معاون پژوهشی وزارت علوم با قریب این‌مضمون تهیه کردم: با تشکر و قدردانی از دیدگاه وسیع جنابعالی و اعضای محترم شورای گسترش و گروه استادان اعزامی که منجر به صدور مجوز تأسیس قطعی دو پژوهشکده در این سازمان شد؛ همان‌گونه که استحضار دارید دو پژوهشکده مستقل از یکدیگر دو هیئت‌امنا و دو واحد اداری و پشتیبانی و رفاهی نیاز دارد و ضمن اینکه سبب گسترش سازمانی می‌شود که مخالف سیاست‌های دولت است، نمی‌توان هماهنگی بین فعالیت‌های آن‌ها ایجاد کرد، لذا خواهشمند است نسبت به صدور مجوز تأسیس یک مؤسسه پژوهشی با زیرمجموعه دو پژوهشکده اعلام‌شده اقدام مساعد به عمل آورند.

در دی ماه ۱۳۷۹
اولین مؤسسه
پژوهشی در
آموزش و پرورش
با عنوان: «مؤسسه
پژوهشی
برنامه‌ریزی درسی
و نوآوری‌های
آموزشی»
راه‌اندازی شد

۷ ماه بعد مجوز قطعی مؤسسه پژوهشی در آذرماه ۱۳۷۹ به دستمان رسید و بلاخره در دی‌ماه ۱۳۷۹ اولین مؤسسه پژوهشی در آموزش و پرورش با عنوان: «مؤسسه پژوهشی برنامه‌ریزی درسی و نوآوری‌های آموزشی» با دو پژوهشگر و هیئت امنای مستقل زیر نظر وزیر آموزش و پرورش با حضور آقای مظفر وزیر وقت و چند تن از معاونان وزیر و مدیران کل دفاتر ستادی و با حضور نماینده وزیر علوم، تحقیقات و فناوری و معاون پژوهشی وزیر علوم (آقای دکتر توکل) در محل ساختمان جدید مؤسسه پژوهشی واقع در کوچه خسرو راه‌اندازی شد. موج تقاضای کارشناسان با مدارک ارشد و دکتری از دفاتر سازمان و سایر دفاتر حوزه ستادی به مؤسسه سرازیر می‌شد؛ کارکنان مؤسسه هم بی‌اعتنا به مسائل حاشیه‌ای شبانه‌روز سخت کار می‌کردند.



آقای مهندس با توجه به اینکه در سالگرد انتشار فصلنامه نوآوری‌های آموزشی خلاصه‌ای از سرگذشت جالب مجوز گرفتن این نشریه را بیان کردید؛ که برای شرکت‌کنندگان در جلسه خیلی جلب توجه کرد؛ لطفاً اگر ممکن است، برای مخاطبان این فصلنامه هم توضیح دهید.

اجازه دهید ابتدا درباره یازدهمین اقدام که ماهنامه پژوهش هست توضیح مختصر بدهم بعد مشروح مذاکراتم را با دبیر وقت کمیسیون نشریات علمی وزارت علوم و ماجرای مجوز علمی - پژوهشی گرفتن را با شما در میان می‌گذارم. هر چند ماجرای این مجوز از کمیسیون نشریات علمی داستان مفصلی دارد که ممکن است شما را خسته کند.

برای انتشار
مقاله‌های
علمی - پژوهشی
مبتنی بر
پژوهش‌های
انجام‌شده مؤسسه
به یک فصلنامه
علمی - پژوهشی
نیاز داشتیم

یازدهمین گام؛ اقدام به انتشار «ماهنامه پژوهش» بود: ماهنامه خبری (داخلی) مؤسسه پژوهشی برنامه‌ریزی درسی و نوآوری‌های آموزشی باهدف اطلاع‌رسانی و اشاعه فرهنگ پژوهش در آموزش و پرورش و ارائه ایده‌های نو برای بهبود کیفیت برنامه‌های درسی منتشر می‌شود. این ماهنامه از آراء، اندیشه‌ها، مقاله‌ها و گزارش‌های پویندگان راه تعلیم و تربیت استقبال نموده و پس از بررسی منتشر خواهد کرد. عملکرد مؤسسه و تأکید به نوآوری‌های آموزشی و ارتباط با کارشناسان و مدیران آموزش و پرورش در سطح ستاد و استان‌ها و رؤسای آموزش و پرورش مناطق ۲۰ گانه تهران از دیگر اهداف ماهنامه بود. همچنین در این ماهنامه چکیده پژوهش‌های انجام‌شده مؤسسه و جدیدترین اخبار علمی - پژوهشی در آموزش به اطلاع مخاطبان نشریه می‌رسید.

برای انتشار مقاله‌های علمی - پژوهشی مبتنی بر پژوهش‌های انجام‌شده مؤسسه به یک فصلنامه علمی - پژوهشی نیاز داشتیم، از آنجا که کسب اطلاع کرده بودم که ابتدا بایستی سه شماره نخست را با استفاده از مجوز وزارت ارشاد به چاپ رسانده و سپس برای کسب رتبه علمی - پژوهشی به کمیسیون نشریات علمی وزارت علوم بفرستیم لذا این فصلنامه پس از پیگیری‌های دوساله، سرانجام در جلسه دهم دی‌ماه سال ۱۳۸۰ هیئت نظارت بر مطبوعات داخلی وزارت ارشاد اسلامی تصویب و دو هفته بعد یعنی بیست و چهارم دی‌ماه سال ۱۳۸۰ مجوز آن به‌صورت آموزشی، تحلیلی و پژوهشی صادر گردید.

اولین شماره در پاییز سال ۱۳۸۱ به چاپ رسید و شماره دوم نیز در زمستان همان سال آماده شد و شماره سوم در دست تهیه بود که پس از تماس‌های متعدد ناموفق با دبیر کمیسیون نشریات علمی وقت، روزی با ایشان در ساختمان معاونت پژوهشی آشنا و ملاقات کردم و درباره درخواست مکتوبی که قبلاً فرستاده بودم جويا شدم. ایشان از ابتدا با اصل ضرورت داشتن فصلنامه برای مؤسسه پژوهشی جدیدالتأسیس وابسته به آموزش و پرورش مخالف بود و مرا به دو سال دیگر ارجاع می‌داد. اصولاً تز ایشان این بود که آموزش و پرورش را چه به نشریه علمی - پژوهشی؛ همان فصلنامه علمی - ترویجی که آقای دکتر مهر محمدی مجوزش را با پیگیری‌های چندساله به‌دست آورده از سر آموزش و پرورش هم زیاد است.



پس از راه اندازی
مؤسسه پژوهشی،
انتشار سه شماره
آزمایشی از فصلنامه
علمی - پژوهشی
نوآوری های پژوهشی
بود

اما این جانب که همواره کارهایم با دقت همراه سرعت توأم بود حاضر نبودم زیر بار مدت طولانی (دو سال آن هم برای کسب مجوز نشریه علمی - ترویجی که با مسامحه می توان گفت همان ماهنامه پژوهش در حال انتشار بود) بروم و به ایشان عرض کردم شما ضوابطی برای نشریات علمی - پژوهشی دارید؛ بنده هم به عنوان مدیر مؤسسه پژوهشی موظف به رعایت آن ضوابط هستم؛ بنابراین شما بفرمایید گام های مقدماتی ما برای داشتن فصلنامه علمی - پژوهشی چیست؟

ایشان فرمودند شما مثل پژوهشکده تعلیم و تربیت ابتدا مقدمات نشریه علمی - ترویجی را فراهم کنید و سه شماره نخست را برای ما ارسال نمایید تا در کمیسیون بررسی شود. به ایشان عرض کردم با توجه به این که پژوهشکده تعلیم و تربیت فصلنامه علمی - ترویجی دارد ما سعی می کنیم سه شماره نخست فصلنامه علمی - پژوهشی را به کمیسیون ارائه نماییم. ایشان گفت به همان که گفتم عمل کنید. ایشان مرا نمی شناخت فکر می کرد به همین راحتی درخواستم را تقلیل می دهم. با خود گفتم این آدم مثل خودم سرسخت است لذا رهاش نخواهم کرد. به ایشان عرض کردم مطمئن باشید شما را ناامید نخواهم کرد و خداحافظی کردم.

دوازدهمین گام؛ اقدام برای انتشار اولین فصلنامه علمی - پژوهشی

در آموزش و پرورش با عنوان نوآوری های آموزشی: دومین اقدام مهم پس از راه اندازی مؤسسه پژوهشی، انتشار سه شماره آزمایشی از فصلنامه علمی - پژوهشی نوآوری های پژوهشی بود که تقاضای آن برای کمیسیون نشریات علمی وزارت علوم فرستاده شده بود؛ همه مساعی به کار گرفته شده بود تا مقالات علمی - پژوهشی

این نشریه که هیئت تحریریه آن ترکیبی بسیار قوی از استادان برجسته حوزه علوم تربیتی بودند، با رویکرد نوآوری تهیه و منتشر شود. به ترتیب انتشار، از هر شماره ۵ نسخه برای دبیر کمیسیون نشریات علمی می فرستادم؛ تا این که با شماره سوم رفتم به دیدار ایشان، چون در جلسه بود مرا نپذیرفت

اتاقش را ترک کردم و فردای آن روز مطالبی که الآن به شما گفتم در کامپیوترم تایپ کردم و پس از بازخوانی و اصلاح در پاکتی با قید محرمانه برای دکتر توکل معاون پژوهشی و رئیس



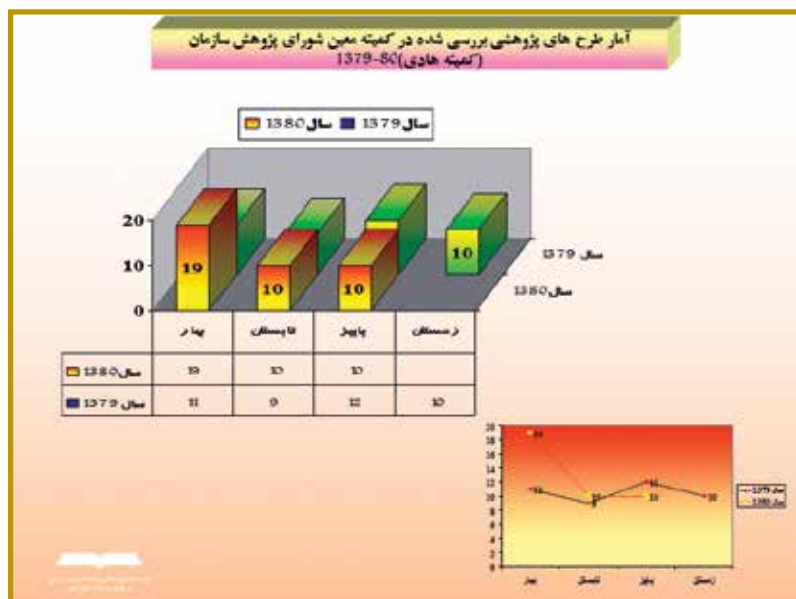
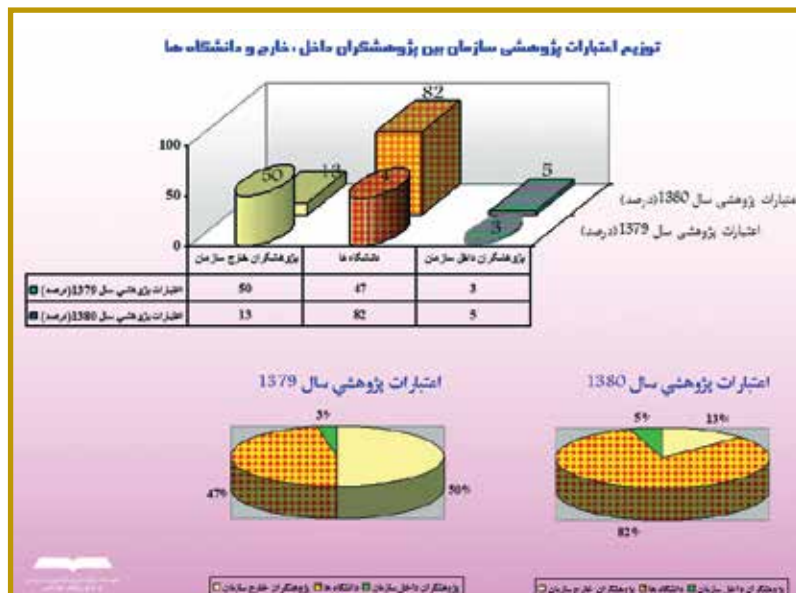
کمیسیون فرستادم؛ یک هفته بعد منشی آقای دکتر توکل به من گفت دو ماه دیگر با دبیر کمیسیون تماس بگیرم. رأس دو ماه به دفتر ایشان مراجعه کردم. منشی اش گفت دکتر گفت ۱۰ روز دیگر بیام. ۱۰ روز بعد مراجعه کردم ملاقات را به یک هفته بعد موکول کرد. خلاصه بعد از پیگیری‌های بسیار که داستان آن مفصل است، کمتر از دو هفته بعد مجوز اولین فصلنامه علمی-پژوهشی آموزش و پرورش و سومین فصلنامه علمی-پژوهشی در رشته علوم تربیتی در کشور به دستمان رسید.

خبر که به آقای دکتر مهر محمدی رسید با تعجب با من تماس گرفت و گفت ما سه سال است که می‌خواهیم فصلنامه تعلیم و تربیت را از علمی-ترویجی به علمی-پژوهشی تبدیل کنیم نتوانستیم تو چطور با این سرعت مجوز گرفتی، گفتم داستان مفصل است آنگه برای جلسه فردا زودتر بیای برات تعریف می‌کنم و فردای آن روز قبل از جلسه شورای پژوهش مؤسسه خلاصه مجوز گرفتن را برایش تعریف کردم.

■ آقای مهندس حج فروش، لطفاً تا آنجا که حضور ذهن دارید از عملکرد مؤسسه پژوهشی در زمان تصدی خود بگویید.

● تصور می‌کنم گزارش عملکرد مؤسسه از سال ۷۹ تا ۸۴ همه‌ساله منتشر شده، هم جداگانه هم در مجموع عملکرد دفاتر سازمان و همین‌طور از طریق ماهنامه پژوهش؛ با این حال سعی می‌کنم بخشی از مهم‌ترین فعالیت‌های مؤسسه را احصا کنم که بعضاً قبلاً به‌طور کامل حتی همراه وقایع و مکالمات بیان کردم.

۱. راه‌اندازی سایت پویای مؤسسه.
۲. استقرار نظام تحقیقات الکترونیکی برخط (برای اولین بار در کشور).
۳. استقرار نظام اداری بدون کاغذ paper less (برای اولین بار در کشور).
۴. اجرای نظام دورکاری آزمایشی (office less) با مجوز سازمان امور اداری (برای اولین بار در کشور).
۵. کسب مجوز علمی-پژوهشی برای فصلنامه نوآوری‌های آموزشی (برای اولین بار در آپ).
۶. کسب رتبه B عملکرد در سال ۱۳۸۲ و رتبه A در سال ۱۳۸۳ از وزارت علوم (برای اولین بار در آپ).
۷. استقرار ستاد برگزاری هفته پژوهش در مؤسسه پژوهشی.
۸. کسب رتبه برتر در سه نمایشگاه هفته پژوهش از وزارت علوم.
۹. عقد ۱۴ تفاهم‌نامه با دانشگاه‌ها برای انجام تحقیقات مشترک که منجر به عقد ۱۲ قرارداد پژوهشی شد.



۱۰. تأسیس یک دفتر همکاری مشترک در دانشگاه صنعتی شریف و یک دفتر مشترک با جهاد دانشگاهی در مؤسسه.
۱۱. دستیابی به پایگاه اطلاعاتی پژوهش های بین المللی از طریق عقد قرارداد با شرکت . proquest

۱۲. دستیابی به منابع اطلاعاتی پروژه جهانی ۲۰۶۱ انجمن توسعه علم (پیشبرد سواد علمی برای تغییر آینده) و ترجمه آن‌ها.
۱۳. پویایی مؤسسه از طریق برگزاری مستمر ماهانه کنفرانس‌ها، نشست‌های علمی و همایش‌های ارائه یافته‌های پژوهشی.
۱۴. اجرای چند برنامه تلویزیونی در شبکه آموزش درباره معرفی مؤسسه و نوآوری‌های آموزشی.
۱۵. ترجمه و انتشار ۱۲ جلد از مجموعه تکمیلی استانداردهای ریاضیات مدرسه‌ای از انجمن بین‌المللی ریاضیات.
۱۶. اجرای بیش از ۱۰۰ پژوهش طی سال‌های ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۴ که چند نمونه پروژه‌های بنیادی آن را می‌توانم نام ببرم:
- بررسی تحولی توان ذهنی، اطلاعاتی و اجتماعی کودکان دوره‌های ابتدایی و راهنمایی^۱.
 - پژوهش برای دستیابی به فلسفه آموزش و پرورش در جمهوری اسلامی^۲.
 - شناسایی واژگان پایه دانش آموزان دوره ابتدایی از سراسر کشور^۳.
 - بررسی نظام ارزشی و تربیتی در جمهوری اسلامی ایران.
 - بررسی ویژگی‌های انسان مطلوب در جمهوری اسلامی ایران
 - بررسی الگوی نیازسنجی مدرسه - محور.
 - بررسی آسیب‌های کنکور بر برنامه‌های درسی دوره متوسطه^۴.
 - و ...

لازم است به این نکته اشاره کنم: با توجه به این که فعالیت‌های مؤسسه پژوهشی طی سال‌های ۷۹ تا ۸۳ هر سال اوج بیشتری می‌گرفت و آثار و برکات آن سال‌ها بعد نیز سبب دریافت جوایز در جشنواره‌های مختلف می‌شد، اما این موفقیت‌ها در آن زمان برای بعضی افراد درون سازمان پژوهش و پژوهشکده رقیب نیز خوشایند نبود، به گونه‌ای که با توجیه مسئول وقت، مدیریت آموزش و پرورش سازمان برنامه و بودجه در صدد کوچک‌سازی مؤسسه بودند. آن مدیریت در سازمان برنامه و بودجه هم نیز خیلی زود رسماً طی نامه‌ای تحت تاثیر قرار گرفت، دستور کوچک‌سازی مؤسسه پژوهشی به پژوهشکده را

۱. این تحقیق طی دو مرحله (۱- ابتدایی، ۲- راهنمایی) توسط استاد مرحوم سرکار خانم دکتر پریخ دادستان روان‌شناس بالینی و شاگرد ژان پیازه انجام شد.
۲. این تحقیق نیز طی دو مرحله توسط استاد فلسفه تعلیم و تربیت آقای دکتر خسرو باقری انجام شد.
۳. این پروژه که پژوهشگر آن سرکار خانم دکتر شهین نعمت‌زاده بود برگزیده جشنواره بین‌المللی خوارزمی و آیسسکو شد.
۴. نتایج این تحقیق که توسط آقای مهندس احمد حج‌فروش انجام شد عامل اصلی تصویب دو قانون حذف کنکور در مجلس و مصوبه کنکوری در حال اجرای شورای عالی انقلاب فرهنگی بوده است.

داده بود. این بدان معنی بود که دو پژوهشگر ادغام و مؤسسه منحل شود ولی همچنان زیر نظر سازمان باشد؛ این جانب ابتدا با مدیریت آموزش و پرورش سازمان مدیریت تماس گرفتم و به ایشان تأکید کردم مجوز این مؤسسه را شورای گسترش آموزش عالی تصویب کرده و هرگونه تغییر توسط آن شورا انجام می‌شود، ما نمی‌توانیم به نامه شما که خلاف قانون است عمل کنیم بهتر است از طریق وزارت علوم اقدام نمایید. ایشان گفت تشکیلات اداری وزارت علوم هم زیر نظر سازمان برنامه و بودجه است. به ایشان عرض کردم شما دارید قانون را تحریف می‌کنید؛ بنابراین با شما حرفی ندارم.

با هماهنگی زنده‌یاد مهندس علاقه‌مندان و توضیح این که موضوع از کجا آب می‌خورد؛ قرار شد پاسخی ندهیم؛ پس از مدتی مضمون همان نامه با امضای معاون سازمان برنامه ارسال شد؛ باز هم نادیده گرفتیم؛ ماه بعد نامه‌ای با امضای رئیس سازمان برنامه و بودجه و از طریق وزیر آموزش و پرورش دریافت شد؛ مهندس علاقه‌مندان به من گفت حالا دیگه موضوع خطرناک شده و آن‌ها ممکن است با ما لجبازی کنند و تأثیر منفی در تخصیص بودجه سازمان داده شود. برای ایشان «قانون هدف و وظایف وزارت علوم مبنی بر این که تصمیم‌گیری درباره مؤسسات پژوهشی که مجوز آن توسط شورای گسترش آموزش عالی صادر می‌شود به عهده آن شورا است» را آوردم، ایشان قانع شد با این حال با وزارت علوم نیز تماس گرفت و اطمینان حاصل کرد. قرار شد موضوع در هیئت‌انامی مؤسسه با وزیر وقت (آقای مهندس مرتضی حاجی) در میان گذاشته شود که با هماهنگی وزیر در جلسه هیئت‌اناما که نماینده وزیر علوم نیز حضور داشت و استدلال ما را تأیید کرد؛ پاسخ با استناد به قانون مذکور با امضای آقای حاجی به سازمان برنامه و بودجه صادر شد. اما از آنجا که برای سازمان برنامه و بودجه موضوع اجرا نکردن دستوراتش قابل تحمل نبود به مسئله حیثیتی تبدیل شده بود و موضوع را تا صدور رأی در شورای عالی اداری کشور (که پس از هیئت دولت بالاترین مرجع تصمیم‌گیری در زمینه ساختارهای سازمانی دولت است) پیش بردند؛ در این مرحله بود که آقای حاجی به من گفت دیگر باید تسلیم شوی؛ به ایشان گفتم اگر شما و مهندس علاقه‌مندان از این جانب و بقای مؤسسه حمایت کنید و چند ماه مهلت دهید، من آخرین اقدامی که بلام انجام می‌دهم اگر نتیجه نداد تسلیم می‌شوم. البته وزیر باور نداشت من بتوانم در برابر رأی شورای عالی اداری کاری بکنم اما مهندس علاقه‌مندان مرا باور داشت با این جانب همراهی کرد و نامه‌ای با امضای وزیر به سازمان برنامه نوشته شد که با توجه به حقوقی که از افراد شاغل در مؤسسه سلب می‌شود برای اجرای طرح ادغام نیاز به مهلت ۶ ماهه است.

بلافاصله این جانب شکوائیه‌ای با امضای سه تن از همکاران مؤسسه (آقای دکتر خلاق، آقای حمیدزاده و آقای جدی‌آرانی) و با وکالت این جانب تنظیم کردم و به دیوان عدالت اداری فرستادم؛ از سوی دیگر طی سه شماره یادداشت‌های سردبیر در ماهنامه پژوهش، موضوع را مطرح و تلویحاً رفتار سازمان مدیریت را مورد انتقاد قرار دادم. از آنجا که همواره

به همه همکارانم می‌گفتم کار را نه برای منفعت خودتان (اعم از مادی و یا کسب امتیاز معنوی) بلکه برای بهبود تعلیم و تربیت بچه‌های سرزمینمان انجام دهید. همیشه از خود سؤال می‌کردم آیا کاری که آن قدر دقت و سرعت در انجامش دارم، یا حتی هر سطری که می‌نویسم آیا در بهتر شدن تعلیم و تربیت فرزندان کشورم بهبودی حاصل می‌کند؟ و نهایتاً آیا رضایت خالق بی‌همتا را فراهم می‌آورد؟ همین سؤال را بارها در جلسات مختلف با همکارانم مطرح می‌کردم و به همه می‌گفتم شما هم به من یادآوری کنید. مطمئن بودم خداوند یاری‌مان می‌کند.

خوشبختانه بالاترین حامی ما خداوند بود، چرا که «الذین جاهدوا فینا لنهینهم سبلنا» لذا شکوائیه به همان دادگاهی هدایت شد که گفته می‌شد رئیس آن قاضی نستوهی است که در کارش قاطعیت دارد و واقعاً پی‌گیر اقامه عدالت است. حدود ۷ ماه طول کشید و من هر ۱۰-۱۵ روز یک بار مدارک جدید برای آن قاضی می‌فرستادم تا آنکه تعداد برگ‌های پرونده به حدود ۶۰۰ برگ رسید و رئیس دادگاه از سازمان مدیریت نیز به جز چند صفحه شامل همان نامه‌ها و رأی شورای عالی اداری و یک‌بار مراجعه نماینده سازمان برنامه به دادگاه مدرک خاصی که بتواند با مدارک متقن ارسالی من مقابله کند وجود نداشت. دو بار رئیس دادگاه درباره چند مدرک از من توضیح خواست و سومین بار، یک روز از دفتر رئیس دادگاه با من تماس گرفتند. وقتی نزد رئیس دادگاه رفتم گفت دیگه از بس برام مدرک فرستادی خسته شدم به عمرم کسی به سماجت و جسارت تو ندیدم، فکر کردم دعوی ما را رد کرده، گفتم مرا ببخشید که خیلی زیاد مصدع اوقات شما شدم؛ گفت دیگه نمی‌شی، برو رأی را از دبیرخانه بگیر به نفع موکلانت رأی دادم. تشکر و خداحافظی کردم و دیگر نمی‌دانم با چه سرعتی به سمت دبیرخانه رفتم. وقتی رأی قطعی لغو مصوبه شورای عالی اداری صادر شد مثل بمب در سازمان ما و سازمان برنامه و حتی در دولت منفجر شد.

اما دیری نگذشت که انفجار خاموش شد؛ مهندس علاقه‌مندان ناگهان به دیدار حق شتافت و سازمان و کارکنان و وزارتخانه همه غرق در ماتم و عزای این بزرگ‌مرد سخت‌کوش نظام تعلیم و تربیت شدند. سال ۱۳۸۴ نیز این‌جانب به افتخار بازنشستگی نائل شدم و تحولات بعدی مؤسسات پژوهشی آموزش و پرورش را شما بهتر از بنده می‌دانید می‌توانید در ادامه این گفتگو بیفزایید. والسلام‌علیکم و رحمة‌الله و برکاته.

از جناب آقای مهندس حج فروش، بابت این گفتگوی دقیق تشکر می‌کنیم، گرچه به دلیل محدودیت زمان نتوانستیم از سایر تجربیات ایشان در طول سال‌های کاری به‌ویژه در حوزه فنی و حرفه‌ای بهره ببریم. اگر توفیقی باشد انشاءالله در شماره‌های آینده استفاده خواهیم کرد.